

بیانات در دیدار جمعی از پژوهشگران و مسئولان شرکت‌های دانش‌بنیان - 8 مرداد/ 1391

بسم الله الرحمن الرحيم

اولاً خیلی خوش آمدید دوستان، برادران، خواهران و مسئولان. من امیدوار هستم که این جلسه و جلسات مشابه این بتواند کمک کند به آن نیاز اساسی‌ای که امروز کشور ما دارد، که عبارت است از توسعه‌ی دانش، تحقیقات، فناوری و پرورش استعدادها و جاری شدن روزافزون محصول استعدادهای برجسته‌ی ملت ما در زندگی آحاد مردم در کشور.

جلسه‌ی امروز با هدف تقویت شرکتهای دانش‌بنیان و به طور کلی نوآوری در دانش و فناوری و تقویت ورود محصولات این شرکتها به بازار و مصرف، تشکیل شد. خب، دوستان مطالب بسیار خوبی را بیان کردند. خوشبختانه در جلسه، مسئولین حضور دارند و پیشنهادهای را شنیدند. البته دوستانی که در قالب پیشنهاد صحبت کردند، برخی گلایه‌ها را هم مطرح کردند که به نظر من حق به جانب آنهاست. گلایه‌ها، گلایه‌های درستی است؛ برطرف شدن آنها هم با توجه به همین پیشنهادهای خواهد بود. خب، مسئولین، اینجا حضور دارند؛ معاون محترم رئیس‌جمهور و برخی وزیران مرتبط با این مسائل و همچنین بعضی مسئولان دیگر در جلسه هستند و مطالب را شنیدند. آنچه که در این جلسه گفته شد، ان شاءالله و به توفیق الهی جمع‌بندی و دنبال هم خواهد شد. البته توقعاتی هم از دستگاه رهبری مطرح شد، که ما ان شاءالله همه‌ی آنها را دنبال خواهیم کرد؛ چه آن چیزهایی که ارتباط به دستگاه‌های دولتی و اجرائی دارد - که ما باید تأکید کنیم - چه آن چیزهایی که به نحوی مرتبط با خود دستگاه رهبری است. ان شاءالله ما اینها را دنبال میکنیم. البته من نمونه‌هایی از پیشنهادهای و انتظاراتی که دوستان مطرح کردند، اینجا یادداشت کردم؛ که به نظر من غالباً انتظارات درستی است و امیدواریم ان شاءالله به اینها رسیدگی شود. من به بعضی از این پیشنهادهای و انتظارات هم اشاره خواهم کرد.

آنچه که ما بر آن اصرار می‌ورزیم و تأکید میکنیم، این است که علم برای کشور، یک سرمایه‌ی بی‌پایان و تمام‌نشده است. اگر چرخه‌ی تولید علم در یک کشور به راه افتاد، اگر استعدادی وجود داشت و به جریان افتاد، اگر ظرفیتهای شروع کرد به بروز و ظهور، آن وقت این دیگر منبع تمام‌نشده است. علم یک پدیده‌ی درون‌زاست؛ چیزی نیست که انسان برای آن ناچار و ناگزیر باشد وابسته شود. بله، اگر شما بخواهید علم حاضر و آماده را بگیری، همین است؛ وابستگی دارد، احتیاج دارد، دست دراز کردن دارد؛ اما بعد از آنکه بنیان علمی در یک کشور به وجود آمد، استعداد هم در آن کشور وجود داشت، آن وقت حالت چشمه‌های جوشان را پیدا میکند. اگر ما بپردازیم به دنبالگیری تحقیق و علم و ژرفنگری و دانش‌پژوهی، اگر این مسئله در کشور همچنان که بحمدالله چند سالی است جدی گرفته شده و دنبال میشود، با همین شتاب، بلکه با انگیزه‌ی بیشتر و اهتمام بیشتر دنبال شود، بدون تردید کشور به یک اوجی دست خواهد یافت.

با توجه به واقعیاتی که ما مشاهده میکنیم و جلوی چشم ماست، این اوجگیری، این رسیدن به این تعالی مورد نظر و پیشرفت، به هیچ وجه خیالپردازانه نیست؛ واقع‌گرایانه است؛ تجربه‌ی این چند سال هم همین را نشان میدهد. در همین آمارهائی که داده شد، ملاحظه کردید که پیشرفت کشور در بخشهای مهم و دانشهای نو و مؤثر در زندگی، با فاصله‌ی چند سال، پیشرفت چشمگیری بوده است؛ این نشان‌دهنده‌ی این است که استعداد و ظرفیت و آمادگی هست. ما باید این مسئله را جدی بگیریم؛ یعنی به مسئله‌ی علم و تکیه‌ی به علم در کشور اهمیت بدهیم؛ یعنی این را اساس کار قرار بدهیم. حرف ما در این چند ساله همین است. اگر چنانچه علم در بخشهای مختلف جدی گرفته شد، آن وقت این شرکتهای دانش‌بنیان که بر مبنای علم کار میکنند، تولید میکنند و ثروت‌آفرینی میکنند، خواهند توانست بتدریج اقتصاد کشور را به شکوفائی واقعی برسانند.

تحصیل ثروت از راه فروش منابع تمام‌شدنی مثل نفت و امثال نفت، رونق نیست، پیشرفت نیست؛ این خودگول‌زدن است. ما در این دام افتادیم. باید اقرار کنیم، قبول کنیم که این يك تله است، يك دام است برای ملت ما. ما دچار خام‌فروشی شدیم. يك واقعیتی برای ما به ارث گذاشته شد، کشور هم به آن عادت داده شده است. البته در این سالها سعی شده که يك مقداری این اعتیاد مضر برای کشور، کنار گذاشته شود، لیکن به طور کامل پیش نیامده. ما باید اول اعتقاد پیدا کنیم که باید کشور به جایی برسد که بتواند با اختیار، هرگاه اراده کرد، سرچاه‌های نفت خودش را ببندد؛ ما باید به این باور برسیم. این حالا مسئله‌ی نفت است. خام‌فروشی‌ها در بخشهای مختلف مواد خام و معدنی همچنان وجود دارد؛ و این یکی از ضعفهای ماست، یکی از مشکلات کشور ماست. ما اگر بخواهیم از این وضعیت نجات پیدا کنیم، بخواهیم به رشد اقتصادی حقیقی نائل شویم، راهش تکیه‌ی به علم است؛ این هم از راه تقویت همین شرکتهای دانش‌بنیان، عملی است. ما باید به این سمت برویم.

البته کارهائی که انجام گرفته، کارهای باارزشی است. گزارشی که معاون محترم رئیس‌جمهور دادند - که البته من اطلاع نسبتاً کاملی از آنچه که انجام گرفته، قبلاً در ضمن گزارشهای مکتوب به دست آوردم - بسیار دلگرم‌کننده است؛ نشان‌دهنده‌ی این است که دستگاه‌های ما بحمدالله تلاششان در این زمینه خوب است؛ منتها نگاه کنیم، ضعفها را در بخشهای مختلف شناسائی کنیم و سعی کنیم این ضعفها را برطرف کنیم. اگر ما ان شاءالله بتوانیم بنیانگذاری کارهای اقتصادی بر پایه‌ی دانش را پیش ببریم و به وجه غالب اقتصاد کشور تبدیل کنیم، این نه تنها به کشور قدرت اقتصادی خواهد داد، بلکه قدرت سیاسی هم خواهد داد، قدرت فرهنگی هم خواهد داد. وقتی يك کشوری احساس کرد که با علم خود، با دانش خود میتواند زندگی خود را و ملت خود را اداره کند و به دیگر ملتها خدمت برساند، احساس هویت میکند، احساس شخصیت میکند؛ این درست همان چیزی است که ملتهای مسلمان امروز به آن احتیاج دارند.

ملت ما قبل از انقلاب، سالهای متمادی اسیر تضعیف روحیه‌ی خودباوری در میان خود بوده است. از آن وقتی که اول مسئولان دولتی، بعد بتدریج آحاد مردم چشم باز کردند و در مقابل پیشرفت خیره کننده‌ی علمی غرب مبهور شدند، بتدریج احساس کمبود، احساس حقارت، احساس خودکم بینی در این کشور و در میان ملت ما ترویج شد. خوشبختانه انقلاب همه چیز را دگرگون کرد؛ از جمله این حالت و این روحیه را دگرگون کرد. بنابراین بنیانگذاری کارهای اقتصادی بر پایه‌ی دانش، هم موجب تقویت روحیه و شخصیت و هویت ملی است، هم قدرت سیاسی. خود استقلال و خوداتکائی در یک کشور، قدرت سیاسی میدهد؛ علاوه بر قدرت اقتصادی که خب، طبیعی است و وجود دارد.

آنچه که ما می‌خواهیم ان شاءالله بر این جلسه مترتب شود، به طور کلی دو چیز است: یکی تشویق نخبگان و زبندگان و اهل علم و اهل تحقیق به این که به سمت تشکیل این شرکتها بروند و همچنین رساندن محصول این شرکتها و این تحقیقات به بازار و در دسترس مردم قرار دادن و وارد کردن آن در چرخه‌ی تجارت است. این، غرض اول ماست. البته هم افزائی علم و ثروت و دارائی، تعریف ابتدائی این شرکتهاست. بنابراین اهل دانش و کسانی که اهل سرمایه گذاری‌های مالی هستند، همت کنند و این شرکتها افزایش پیدا کند. حالا گفته شد که تا پایان برنامه، بیست هزار شرکت تشکیل خواهد شد؛ لیکن تصور من این است که بیش از این بایستی ما در کشور به رقم شرکتهای دانش بنیان اهتمام بورزیم. البته کمیت و کیفیت آنها با هم دیده شود؛ که حالا مسئله‌ی کیفیت، مسئله‌ی دیگری است.

هدف دوم این است که مشکلات این شرکتها ان شاءالله برطرف شود. مشکلاتی وجود دارد - مشکل نقدینگی هست، مشکل کمکهای گوناگون معنوی هست؛ که در این پیشنهادها وجود داشت - دولت میتواند این مشکلات را برطرف کند. همین بخشهایی که مرتبط با این قضیه هستند؛ چه معاونت محترم ریاست جمهوری، چه وزارت‌های محترم صنایع و علوم و بهداشت و درمان و جهاد کشاورزی و وزارت‌هایی که با این قضایا ارتباط پیدا میکنند، میتوانند همکاری کنند، تقسیم مسئولیت کنند، حدود وظائف هر بخشی را تعیین کنند و مشکلات را برطرف کنند. از جمله‌ی چیزهایی که اینجا گفته شد و به نظر من درست هم هست، این است که این سیستمهای سنتی قدیمی اعتبارشناسی، از جمله از سوی بانکها و مراکز پولی، نسبت به این شرکتها نگاهشان را عوض کنند. مشکل نقدینگی، مشکل مهم این شرکتهاست.

از جمله‌ی چیزهایی که گفته شد - که به نظر ما درست هم هست - مسئله‌ی لحاظ خطرپذیری در این شرکتهاست؛ چون اگر چنانچه در این شرکتها خطرپذیری نباشد و آمادگی برای مواجهه‌ی با ریسک وجود نداشته باشد، کار پیش نخواهد رفت. البته راههایی وجود دارد برای اینکه زیان این خطرها، اصل موجودیت این شرکتها را تهدید نکند؛ مثل بیمه‌های مخصوص و مشخصی که برای این کار باید پیش بینی شود؛ که این هم کار دستگاه‌های دولتی است.

یک مسئله‌ی مهم این است که دستگاه‌های دولتی ما اختراعات و ثبت اختراعات را رصد کنند و خود آنها به سراغ صاحبان اختراعات و نخبگان فکری بروند و از آنها بخواهند که همکاری کنند، کمک کنند، تا آنها بتوانند بیایند در ایجاد یک شرکت دانش بنیان در آن بخش مورد نظر سهیم شوند. دستگاه‌های ما ننشینند که مخترعان به آنها مراجعه کنند، کار بیفتند توی پیچ و خمهای اداری و بوروکراسی و مشکلاتی که وجود دارد؛ اینها یقیناً شوقها و استعدادها را تضعیف خواهد کرد. آنطور که من گزارش دارم، خارجی‌ها دارند استعدادهای موجود کشور ما را رصد میکنند؛ هر جایی که به دردشان می‌خورد، می‌آیند سرمایه‌گذاری میکنند و می‌برند. خب، استعداد انسانی، نیروی انسانی، ارزشمندترین موجودی یک کشور است.

نباید اجازه بدهیم، نباید بگذاریم، «نگذاشتن» هم به این شکل منطقی است که ما زمینه را فراهم کنیم، آماده کنیم، تشویق کنیم، دستگیری کنیم، آنها را وادار کنیم، آنها را وارد میدان کنیم که مشغول بشوند، دلگرم بشوند؛ آن وقت در آن صورت، این همان چشمه‌ی جوشان تمام‌نشده‌ی خواهد بود که پیش می‌آید.

از جمله‌ی مطالبی که گفته شد و درست هم هست، همین مسئله‌ی اجرای قانون حمایت از شرکتهای دانش بنیان است که دو سه سالی است تصویب شده. دولت لایحه‌ای داد، مجلس هم تصویب کرد. البته آئین‌نامه‌ی اجرائی آن هنوز تصویب نشده، ابلاغ نشده؛ این کار باید سریع انجام بگیرد. ان شاءالله مسئولین دولتی که اینجا تشریف دارند، این را دنبال کنند. برای این کار مبلغی هم در نظر گرفتند، ایجاد صندوقی هم تصویب و آماده شد. اگر ان شاءالله آن قانون به کار بیفتد، قطعاً به پیشرفت و توسعه‌ی شرکتهای دانش بنیان کمک خواهد کرد.

نکته‌ی دیگری که مورد اشاره قرار گرفت - که البته در ذهن من هم بود و در گزارشهایی که به ما داده‌اند، مورد توجه بود - این بود که در کمکهای مالی و پشتیبانی‌ها، شرکتهای دولتی سهم بیشتر را نبرند که بخش خصوصی و شرکتهای غیردولتی پشت در بمانند. اینجا هم من دیدم بعضی از دوستان همین تذکر را دادند؛ در گزارشهای ما هم همین نکته مورد توجه قرار گرفته. کاری کنیم که بخش خصوصی در زمینه‌ی شرکتهای دانش بنیان بتواند به معنای واقعی کلمه روی پای خودش بایستد و رشد کند. اگر چنانچه در این زمینه بخش خصوصی رشد پیدا کرد، به نظر ما منافعش برای کشور بسیار زیاد خواهد بود. دولت نقش حمایت‌کننده‌ی خودش و هدایت‌کننده‌ی خودش و کمک‌کننده‌ی خودش را خواهد داشت؛ لیکن در عرصه، محور حرکت، بخش خصوصی خواهد بود. این هم یکی از نکاتی است که مورد توجه است.

یکی از چیزهای مهمی که وجود دارد، بانک اطلاعات است. یکی از فواید این جلسه همین است که کسانی می آیند اطلاعاتی را در اختیار جمعی از نخبگان و زیدگان و مسئولان میگذارند؛ این کار بایستی عمومیت پیدا کند. باید بانک اطلاعات وجود داشته باشد؛ ما داشته‌های خودمان را بدانیم، نداشته‌ها را هم بدانیم؛ چیزهایی که مورد نیاز ماست. بخصوص بعضی از بخشهای دولتی که اینجا از آنها اسم آوردند - مثل نفت، مثل دفاع، مثل کشاورزی - اینها نیازهای بسیار زیادی دارند؛ که اگر چنانچه این نیازها برای تشکیل دهندگان شرکتهای دانش بنیان معلوم بشود، کسانی که از لحاظ سرمایه‌گذاری علمی و سرمایه‌گذاری پولی آماده هستند، میتوانند سراغ این نیازها بیایند و این نیازها را برطرف کنند. پس تشکیل بانک اطلاعات و در معرض گذاشتن اطلاعات لازم برای همه، چیز بسیار لازمی است.

یک نکته‌ی دیگر هم این است که شرکتهای دانش بنیان در عرصه‌های مختلف کشور میتوانند فعال شوند؛ چند عرصه‌ی محدود را برای این کار نگذارند؛ در همه‌ی مواردی که نیاز وجود دارد، این استعدادها به کار بیفتند و ان شاءالله این شرکتهای بتوانند نقش ایفاء کنند.

آنچه که من به طور خلاصه در پایان مطالبم میخواهم عرض کنم، این است که هم دانشگاه‌ها، هم دستگاه‌های دولتی، هم آحاد مردمی که خوشبختانه توانائی و استعداد این کار را دارند، چه از لحاظ علمی، چه از لحاظ توانائی‌های مالی، باید تلاش کنند مسئولیت زمان خود و مقطع تاریخی حساس خود را بشناسند و به آن عمل کنند. این که ما عرض کردیم «اقتصاد مقاومتی»، این شعار نیست؛ این یک واقعیت است. کشور دارد پیشرفت میکند. ما افقهای بسیار بلند و نویدبخشی را در مقابل خودمان مشاهده میکنیم. خوب، بدیهی است که حرکت به سمت این افقها، معارضه‌ها و معارضه‌هایی هم دارد. بعضی از این معارضه‌ها انگیزه‌های اقتصادی دارد، بعضی انگیزه‌های سیاسی دارد؛ بعضی منطقه‌ای است، بعضی بین‌المللی است. این معارضه‌ها در مواردی هم منتهی میشود به همین فشارهای گوناگونی که مشاهده میکنید؛ فشارهای سیاسی، تحریم، غیر تحریم، فشارهای تبلیغاتی - اینها هست - لیکن در لابه‌لای این مشکلات، در وسط این خارها، گامهای استوار و هم‌تھا و تصمیم‌هایی هم وجود دارد که بناست از وسط این خارها عبور کند و خودش را به آن نقطه‌ی مورد نظر برساند؛ وضع کشور الان اینجوری است.

به هیچ وجه ما در بن بست نیستیم؛ به هیچ وجه با مشکلاتی که ما را از تصمیم به ادامه‌ی راه باز ندارد، مواجه نیستیم؛ چنین مشکلاتی وجود ندارد. بله، مشکلات هست؛ اما همه‌ی این مشکلات، کوچکتر از تصمیم و اراده و هدفها و آرمانهای این ملت و این کشور است. در بستر نرم و راحتی نمیخواهیم بخوابیم و تکیه بزنییم و استراحت کنیم؛ نه، وسط میدانیم؛ اما این میدان، یک میدان دشوار و در عین حال شوق‌آفرین است؛ مثل میدان ورزش و

مسابقات ورزشی. در میدانهای مسابقات ورزشی خستگی هست، دلهره هم هست، اما شوق آفرین است. هیچ ورزشکاری از حضور در میدان مسابقه‌ی ورزشی امتناع نمی‌کند؛ بلکه با شوق می‌رود آنجا. این کار زحمت هم دارد - فشار جسمی، فشار عصبی - در عین حال ورزشکاران می‌روند. وضعیت ما اینجوری است.

عرصه، عرصه‌ی حرکت عمومی و ماندگار تاریخی ملت است. از لحاظ تاریخی، حرکت امروز ما یک حرکت ماندگار است. یعنی سرنوشت ایران را امروز ملت ما شاید برای قرن‌ها دارند رقم می‌زنند و معین می‌کنند. همیشه چنین موقعیتی پیش نمی‌آید؛ در همه‌ی مقاطع تاریخی، این وضعیت پیش نمی‌آید؛ در زمان ما خوشبختانه پیش آمده. این انقلاب، کشور را و ملت را در معرض یک حرکت مؤثر ماندگار طولانی و تاریخی قرار داده.

خب، ما باید هر کدام نقش خودمان را بشناسیم و آن را ایفاء کنیم. یکی از بخشهای ما، اقتصاد است و خاصیت اقتصاد در یک چنین شرائطی، اقتصاد مقاومتی است؛ یعنی اقتصادی که همراه باشد با مقاومت در مقابل کارشکنی دشمن، خبثت دشمن؛ دشمنانی که ما داریم. به نظر من یکی از بخشهای مهمی که میتواند این اقتصاد مقاومتی را پایدار کند، همین کار شماس است؛ همین شرکتهای دانش بنیان است؛ این یکی از بهترین مظاهر و یکی از مؤثرترین مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی است؛ این را باید دنبال کرد.

آینده ان شاءالله آینده‌ی روشنی است. امیدواریم خداوند متعال به همه‌ی شماها توفیق بدهد؛ به مسئولین محترم و عزیز ما هم ان شاءالله توفیق بدهد که بتوانند نقش خودشان را ایفاء کنند؛ شما هم نقش خودتان را ایفاء کنید و این پیشنهادهائی هم که در اینجا مطرح شد، ان شاءالله همه در خارج محقق شود و به آنها عمل شود. غالب این پیشنهادهای، پیشنهادهای خوبی است؛ ان شاءالله این پیشنهادهای بررسی و به آنها عمل شود. از خداوند متعال توفیق همه‌ی شما را مسئلت می‌کنیم و امیدواریم فردای ملت ایران از امروز و دیروز او بمراتب بهتر باشد.

والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته